

مراسم آئینی و بازارهای موسمی

محمد میرشکرانی^۱

فرهنگ عبارت است از کل تشکلی که از ایفای نقش عناصر متعدد خود جان می‌گیرد، و باز آن جان یافته را در وجود همه آن عناصر باز می‌دمد. و به این طریق زندگی در فضای فرهنگ جریان می‌یابد. فرهنگ مجموعه ای نظام دار و به اصطلاح سامان مند که هر یک از عناصر آن در رابطه‌ای ساختاری و سازمان یافته با عناصر دیگر و با کل مجموعه نقش خود را ایفا می‌کنند، و خود نیز به اعتبار همین ایفای نقش زنده اند. جشنها و مراسم سنتی و آیینی، عناصر سیالی اند که به تبع کیفیت خود، با همه اجزای مجموعه در تماس اند. آنها را به هم پیوند می‌دهند و فرهنگ و جامعه را استواری و استحکام می‌بخشند، و در میان مجموعه عناصر فرهنگ این نقش و وظیفه را دارند نه آن جان یافته را در وجود اجزاء بدمند. از میان پیوندهای همه سوی مراسم سنتی در مجموعه یک فرهنگ، رابطه مراسم سنتی با بازار در گستره فرهنگی ایران، موضوع این گفتار است.

در آغاز توضیح و تشریح "مراسم آئینی" و "بازار" مطابق آنچه که در نظر داریم، ضروری است. مراسم یکی از شاخه‌های رفتاری انسانی است، و مراسم آئینی آن دسته از مراسم به شمار می‌آید که یا دارای منشاء اعتقادی است و یا اگر چنین خاستگاهی نداشته، بعدها بار اعتقادی یافته است. برخی از رسمهای مربوط به تولید محصولات کشاورزی از این گون اخیر محسوب می‌شوند.

بازار عرصه بده و بستان و مبادل کالا است. این عرصه از لحاظ زمانی - مکانی، نوع کالا و معیارهای متعدد دیگر، گوناگون است. اما همه انواع آن علاوه بر این که از پایگاه اقتصادی برخوردارند، که این پایگاه یکی از نقشهای بنیادی و محوری بازار به شمار می‌آید، دارای پایگاه فرهنگی - اجتماعی چشمگیری هم هستند. در مواردی، این جنب بازار اهمیت پیدا می‌کند که نقش نهادهای اجتماعی دیگر را نیز برعهده می‌گیرد. به بیان روشنتر، بازار به فضایی تبدیل می‌شود برای ایفای نقش نهادهای دیگر، مانند دادگاههای بازارهای هفتگی حوزه فرهنگی گیلان و مازندران.^۱ بازار، مستقل از صورتهای گوناگونش، همواره محل تبادل اندیشه بوده است. کالا و اندیشه همواره و در همه جا در کنار یکدیگر مبادله شده اند و از این رو بازار و بازرگانی و راههای تجاری در طول تاریخ از مهم ترین محمل های انتقال فرهنگ به شمار آمده‌اند. در این مقاله، به مراسم آئینی مرتبط با بازارهای موسمی می‌پردازیم. منظور از بازارهای موسمی، بازارهایی است که برپایی آنها موقوف به زمان و هنگام معینی است. از این میان، بیشتر بازارهای سالانه مورد نظر است، زیرا بازارهایی با تواتر زمانی کوتاه، به ندرت ممکن است از محتوای بار اعتقادی و جنبه آئینی برخوردار باشند.

مراسم آئینی و بازار پیوندی متقابل و تنگاتنگ دارند و هر یک دیگری را تقویت و تداوم می‌بخشند. بازار از تقدس مراسم مایه می‌گیرد و چنانکه خواهیم دید، کالاهای عرضه شده در آن، در نزد مردم تیمن و تبرک پیدا می‌کنند و رونق بازار را می‌افزایند. دامن جلوه و شکوه مراسم نیز با تشکیل بازار گسترش می‌یابد، و بازار خود به صورت انگیزه جداگانه ای در می‌آید که جمعیت بیشتری را به شرکت در مراسم بکشاند. بسیار بازارها برگرد هسته اصلی آئین و رسمی که در مکانی برگزار می‌شود، پدید آمده و شکل گرفته اند؛ بسا مراسم که به پشتوانه بازارها تداوم یافته اند، و گرنه روزگارشان پایان می‌گرفت. این خصوصیات در ارتباط متقابل بازار و مراسم آئینی، نه خاص این یا آن سرزمین، که به گمانم از شمار

۱. رئیس پژوهشکده میراث فرهنگی



ویژگیهای جهانی فرهنگ باشد.

خوب است که نخست در چشم اندازی فراتر از این سرزمین ایران، به نمونه هایی از بازار و مراسم در جهان نگاهی گذرا بیندازیم.

در اروپای قرون وسطی، برگزاری آیینهای اعیاد مذهبی که در آغاز منحصر به کلیساها و صومعهها بود، به تدریج به مناطق اطراف نیز دامن گسترد و سوداگران و معرکه گیران بساط خود را در این مناطق پهن کردند.

مراسم یکی از شاخه های رفتاری انسانی است، و مراسم آیینی آن دسته از مراسم به شمار می آید که دارای منشاء اعتقادی است.

به این ترتیب، بازارهای مکاره^۱، یا بازارهای سالانه یا گرفت و مردم سالی یکبار فرصت می یافتند تا هم تکلیف مذهبی و معنوی خود را انجام دهند و هم به داد و ستد و تفریح بپردازند. از جمل مشهورترین این بازارها، بازار مکاره سن بارتولوی^۲ بود که در دیری در خارج از لندن برپا می شد.

این بازار، نخستین بار در سال ۱۱۲۳ میلادی برپا شد و مدت هفتصد سال دوام یافت. طول مدت این بازار در ابتدا سه روز بود، بعد به دو هفته و سپس به شش هفته رسید. بعدها جنبه مذهبی آن محو شد و ردیف دکه های موقت بازار به صورت خیابان در آمد.^۳

در سرزمینهای شرقی، پیشینه این فعالیت بسیار دیرینه تر است. بازار "عکاظ" و بازار مکه که هر سال موسم زیارت اعراب در دوران پیش از اسلام برپا می شد، از برجسته ترین نمونه های بازارهایی از این دست به شمارند. بازار مکه، پس از ظهور اسلام نیز به برکت مراسم حج، که یکی از بزرگترین مراسم آیینی دنیاست. همچنان اهمیت خود را حفظ کرد و هر سال هزاران زائر خانه خدا، مشتریان بازار مکه نیز هستند؛ این بازار گرچه دیگر صورت بازار مکاره را ندارد، اما هنوز در موسم حج چهره ای این چنینی از خود بروز می دهد.

بازار عرصه بده و بستان و مبادله کالا است. این عرصه از لحاظ زمانی، مکانی، نوع کالا و معیارهای متعدد دیگر، گوناگون است.

در حوز فرهنگی ایران بزرگ تاریخی، نیز بازار های سالانه که در کنار زیارتگاه ها و به مناسبت مراسم خاص برگزار می شده است، پیشینه ای کهن و دیرینه دارند. ابوریحان بیرونی، در کتاب "التفهیم" دربار عیدها و بازارهای سرزمین "سغد"، که تا آن زمان ادامه داشته، آورده است. "...ایشان (مغان سفد) را اندر ماه های خویس عیدهاست و جشنها، از جهت کیش، و آن را "آغام ها" خوانند ... و مردمان بخارا ماه های سفدیان را نخستین و دوم و سوم نام کنند ... و اندر آن بازارها به پا کنند ..."^۴ وی در "آثار الباقیه" در این باره آورده است: "در ماه مژخندا، روز سوم "عید کشمین" است و در این روز بازاری در ده "کمجکت" برپا می کنند و روز پانزدهم بازار "طوا ویس" است... و بازرگانان از هر سوی بدانجا روند و این بازار هفت روز برپا می دارند... در ماه سافوع از روز پنجم تا پانزدهم جشن گیرند، سپس



بازاری برای مسلمانان شود، هفت روز.^{۳۳}

در کتاب تاریخ بخارا درباره بازار "ماخ" این شهر، آمده است: "اهل بخارا را در قدیم بت پرست بوده اند. این بازار یعنی بازار ماخ که سالی دوبار، هر بار یک روز بازار کروندی، مرسوم شده بود، از آن تاریخ باز دروی بت فروختندی ..."^{۳۴}

روز برپایی بازار ماخ در تاریخ بخارا روشن نشده است، اما از توضیحاتی مربوط به آن برمی آید که هر دو روزی که بازار می کرده اند، به آیین مردمان آن روزگار، روزهایی مذهبی بوده است.

در محدوده مرزهای امروزی سرزمین ایران، که عرصه پژوهش میدانی این مقاله به شمار می آید، بازارهای موسمی، در مراسمی، از قرار زیر، مورد بررسی قرار گرفته است:

- علم و اچینی، در مناطق کوهستانی جنوب گیلان؛

- بیست و شش نوروز ماه، در مازندران؛

- "بازار حسن رضا" (حسن رضا بازار)، در جویبار مازندران؛

- گل مالی دیوار مسجد آدینه جواهرده رامسر؛

- قالی شویان، در مشهد اردهال کاشان؛

- اول تابستان در منطقه تفرش و فراهان؛

- بیست و هشتم ماه صفر در امامزاده آقا علی عباس، در باد رود نطنز؛

- زیارت و بازار امامزاده سید غلام رسول در چابهار؛

- مراسم زرتشتیان در پیر سبز اردکان یزد؛

- مراسم مسیحیان در قره کلیسای ماکو؛

در مورد هر یک از مراسم یاد شده، پژوهشهای جامع انجام شده است؛ ما در اینجا تنها مختصری از هر کدام، در ارتباط با موضوع مقاله، می آوریم. علم و اچینی: "علم بندی" به معنی بستن و آماده کردن علم برای مراسم سوگواری ماه محرم و "علم و اچینی" به معنی باز کردن و پایین آوردن آن در پایان مراسم است. تقریباً در تمام خط گیلان علم بندی حداکثر تا هفتم ماه محرم انجام می شود و معمولاً پس از شهادت امام (ع)، علم ها را می گشایند و به اصطلاح مراسم

"علم و اچینی" برپا می کنند. پیداست که این رسم در روزهای معینی از ماه محرم اجرا می شود؛ اما در کوهستانهای گیلان رسم دیگری هم به نام "علم و اچینی" وجود دارد که اگر چه در آن هم بستن و باز کردن علم و گرداندن آن به دور بقعه و مزار متبرک و آینههای نذر و نیاز بر پا می شود، اما اولاً این بخش از مراسم آن بسیار محدود است و در یکی دو ساعت بعد از ظهر انجام می شود، ثانیاً برگزاری مراسم سال قمری به گردش سال قمری بستگی ندارد، بلکه در محدوده معینی از سال زراعی، یعنی در نیمه تابستان و پس از برداشت محصول، و معمولاً در یک روز جمعه برگزار می شود. از چگونگی برگزاری این مراسم در روزگاران پیش اطلاعی در دست نیست؛ اما به اعتبار موجود در آن از جمله زمان برگزاری، ارتباط آن با برداشت محصول، و صورت جشن گونه آن، چنین برمی آید که بن مایه آن مراسم نیایش جشن شکرگزاری برای برداشت محصول بوده است. برداشت محصول همیشه و در همه جا با گونه ای نیایش و شکرگزاری

همراه بوده و این نیایش در هر زمان به آیین همان روزگار و به تناسب شرایط و امکانات موجود انجام می‌گرفته است.

به این ترتیب، این جشن، هم نشان باورهای کهن و هم رنگ و بوی اعتقادات و مراسم مذهبی امروز را دارد. در کنار مراسم علم‌واچینی، بازاری یک روزه نیز برپا می‌شود و این بازار نه تنها پهن عرض کالا، بلکه محل دید و بازدید، تماشای نمایشهای سنتی، و برخی قرار و مدارهای سالانه نیز هست؛ البته، به میمنت زمان و مکان، اجناس آن برای خریداران نه تنها یک کالا برای رفع نیاز است، بلکه تبرک به شمار می‌آید و هر خانواده‌ای بخصوص اگر عروسی در خانه و یا مراسم عروسی در پیش داشته و یا چشم انتظار نوزادی باشند، حتماً از بازار علم‌واچینی خرید می‌کنند.^۸

– بیست و شش نوروزماه: تا پانزده بیست سال پیش، مردم بسیاری از روستاهای مازندران، به خصوص روستاهای کوهستانی، بنا بر تقویم محلی خود، روز بیست و ششم "نوروزماه" یا "عید ماه" را که برابر مرداد ماه است، جشن می‌گرفتند. این جشن را "نوروز ماه بیست و شش" می‌نامیدند و آن را به مناسبت پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک برپا می‌داشتند. در جوار این جشن مراسم در برخی نقاط، از جمله در "شیرگاه" بازار تشکیل می‌شد. برخی، بازار سالان "حسن رضا" را مربوط به همین جشن می‌دانند.^۹

بازار حسن رضا: تا اوایل دهه ۱۳۵۰، هر ساله در اطراف بقعه امامزاده "حسن رضا" در نزدیکی جویبار مازندران، بازار مفصلی تشکیل می‌شد که در آن انواع سرگرمی‌ها و تفریحات، و از جمله معرکه گیری‌ها و پهلوانی‌ها معمول بود. در این بازار قصاب‌ها و کبابی‌ها بازار گرمی داشتند، زیرا کشتن حیوانات بخصوص گاو میش و خوردن کباب، از مشخصه‌های بارز این بازار به شمار می‌آمد. "حسن رضا بازار" پررونق‌ترین بازارهای مازندران بود و مسافران زیادی از نقاط دور و نزدیک به آنجا می‌آمدند. این بازار بعد از برداشت

مراسم آیینی و بازار پیوندی متقابل و تنگاتنگ دارند و هر یک دیگری را تقویت و تداوم می‌بخشند.

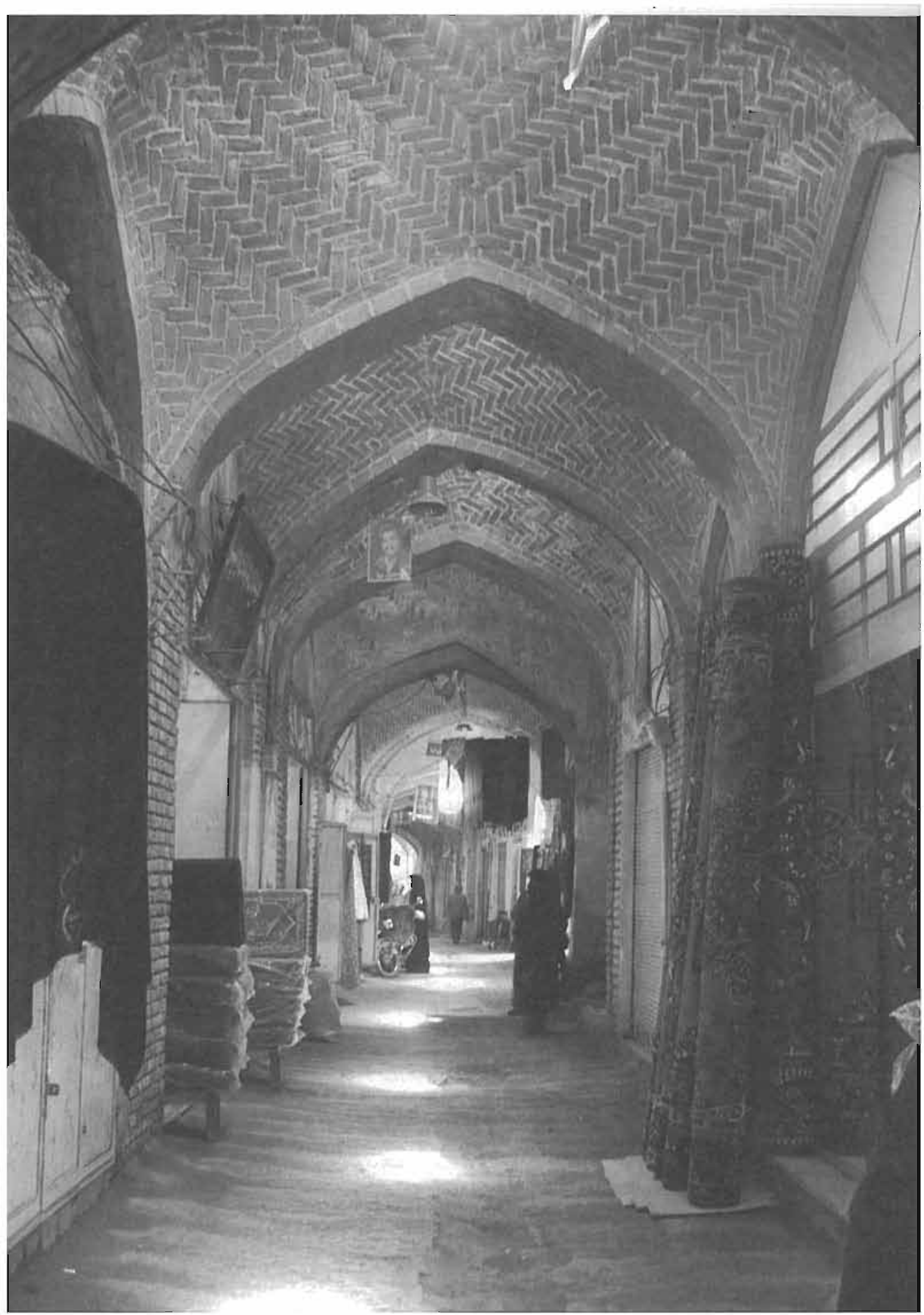
محصول پنبه و کنجد برپا می‌شد. مدت آن دو روز و یک شب بود و در این مدت، هم فعالیتهای آن بی‌وقفه ادامه داشت.^{۱۰}

– قالی شویان: در مشهد اردهال کاشان (در نزدیکی نراق)، هر سال در دومین جمع مهرماه، در کنار بقعه امامزاده سلطان علی، مراسمی به یاد شهادت آن حضرت برپا می‌شود. بنا به رسم، جماعتی از اهالی "قین"، چوب به دست قالیچه‌ای را که معتقدند پیکر حضرت سلطانعلی را پس از شهادت در آن پیچده و برای شستن به کنار جوی آب آورده بودند، طی مراسمی نمادین از بقعه به کنار جوی می‌آورند و باز به محل اول آن بر می‌گردانند و به متولی امامزاده تحویل می‌دهند. این مراسم در یک روز برگزار می‌شود و هزاران نفر در این روز برای زیارت امامزاده و تماشای مراسم قالی شویان از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به مشهد اردهال سفر می‌کنند.

در کنار این مراسم بازاری یک روزه نیز تشکیل می‌شود و در آن انواع نمایشهای سنتی معمول است و توصیف اش را از گزارشی مربوط به سال ۱۳۴۳ نقل می‌کنیم: "... هر سال چون مهرماه فرا می‌رسد، بازرگانان کاشی، فینی، قمی، اصفهانی و یزدی، با کالاهای گوناگون از گسترده و پوشیدنی و افزارهای آشپزی و ... به مشهد می‌آیند و در غرفه‌های حیاط صحن و دور حوض و راهرو درآمد امامزاده، با بازاری با شکوه درست می‌کنند... یکی از اعتقادات مردمی که برای زیارت و تماشای مراسم قالی شویی به مشهد اردهال می‌آیند این است که هر خانواده‌ای که دختر شوی نکرده و دم بختی در خانه دارد، برای گشودن بخت او به بازاری که از آن در این گفتار یاد شد می‌رود و به اندازه توانایی مالی خود کالایی از فروشندگان می‌خرد و برای جهاز دخترش نگاه می‌دارد."^{۱۱}

مراسم قالی شویان نیز به لحاظ قرار داشتن آن در مدار گردش سال خورشیدی، باید زمینه‌ای کهن داشته باشد. بنابر تقویم قدیم ایران، این مراسم همزمان است با مهرگان که نامش همه جا همراه کلمه "بخ" به معنی "خدا" می‌آید و دارای پایگاه آیینی والایی است؛ این امر مهم جز این هر ریشه و زمینه دیگری هم داشته باشد، نمی‌تواند خالی از ارزشهای اعتقادی باشد به هر حال تلفیق این مراسم کهن با آیین بزرگداشت امامزاده سلطان علی، از نمونه‌های برجسته و قابل ملاحظه در انتقال ارزشهای فرهنگی از دوره‌ای به دوره دیگر است.

– گل مالی دیوار مسجد جواهرده: تا حدود سی سال پیش، این رسم در روستای جواهرده رامسر معمول بود. در یکی از جمعه‌های مرداد ماه، چوپانان منطقه با مقداری از شیر دامپایشان به این روستا می‌آمدند و با گلی که از آمیختن شیر گاو و گوسفندان خود با خاک کبود، توام با اجرای آدابی خاص درست می‌شد، دیوار مسجد آدینه جواهرده را، که به مناسبت همین روز این نام را بر آن نهاده‌اند، گل مالی می‌کردند. و زنان، پس از پایان کار گل مالی فرشهای مسجد را تمیز می‌کردند و پس از آن عازم بازار می‌شدند. بازاری

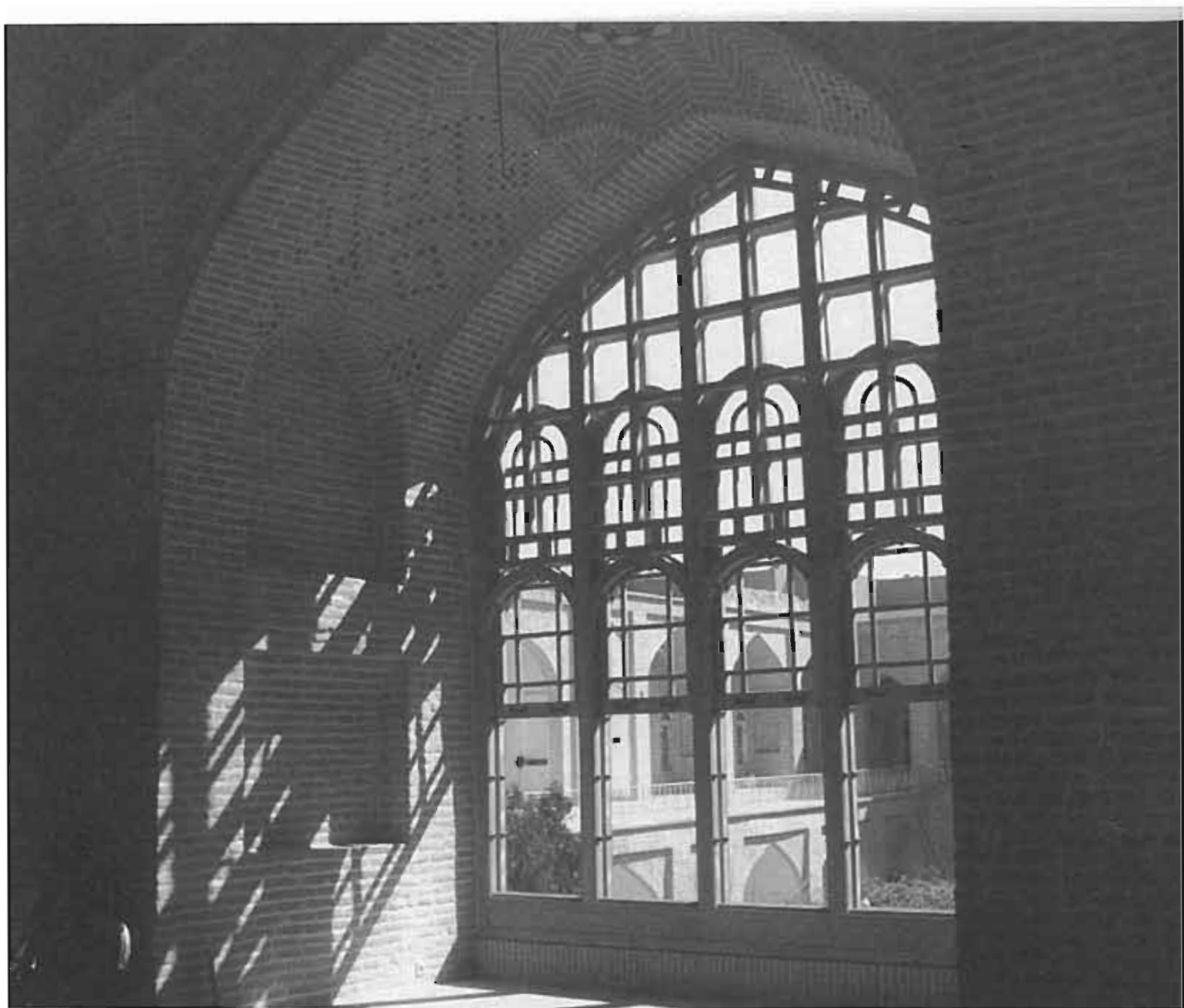




که سوداگران شهرهای اطراف برای همان یک روز برپا می کردند و انواع وسایل و لوازم مورد نیاز روستائیان در آن به معرض فروش گذاشته می شد. چوپانان معتقدند که گل مالی دیوار مسجد آدینه، به زندگی آنها برکت می بخشد و رمه هایشان را از خطر حوادث و بلایا در امان نگه میدارد. آنان، برای رسیدن به جواهرده، گوسفندانشان را در صحرا رها می کنند، جام نو می پوشند، و اگر عروسی در پیش داشته باشند، جشن آن را به این روز موکول می کنند. پارچ لباس عروسی را باید حتماً از بازار جواهرده بخرند و یکی از خیاطان جواهرده آن را بدوزد. به همین لحاظ، خیاطی عمده ترین شغل مردم این روستا است. در روز برگزاری مراسم گل مالی، ده ها خیاط جواهرده تا پاسی از شب به کار دوختن لباسهایی مشغولند که خریدارانش در آنها شگون و تبرک می بینند و با امیدها و آرزوهای بسیار آنها را خواهند پوشید. مرداد ماه از جهت کار و زندگی چوپانان ماهی است که عمده رمه هایشان راهی مراتع بالاتر دامنه های البرز شده و بره های از شیر گرفته شده آماده پشم چینی می شوند و چوپانان به درجه ای از کار دام فراغت دارند و در واقع حاصل تلاش یک سال خود را پیش چشم خویش مجسم می دارند.

-اول تابستان، در تفرش و فراهان: در تفرش و روستاهای منطبق فراهان، روز اول تابستان اهمیت خاصی دارد. از دیرباز در این روز مردم گروه گروه برای زیارت به امامزاده روستای "شاهوا روق" می رفتند. این روستا از روستاهای فراهان است و در نزدیکی تفرش قرار دارد. بازار یک روزه ای هم در کنار امامزاده برپا می شود که فروشندگانش بیشتر کاسبکاران و سوداگران دوره گرد اراک و تفرش هستند. زائران امامزاده خرید از بازار را خوش یمن می دارند و برای تازه عروسان و جهاز دختران از آنجا خرید می کنند تا میمون و مبارک باشد.

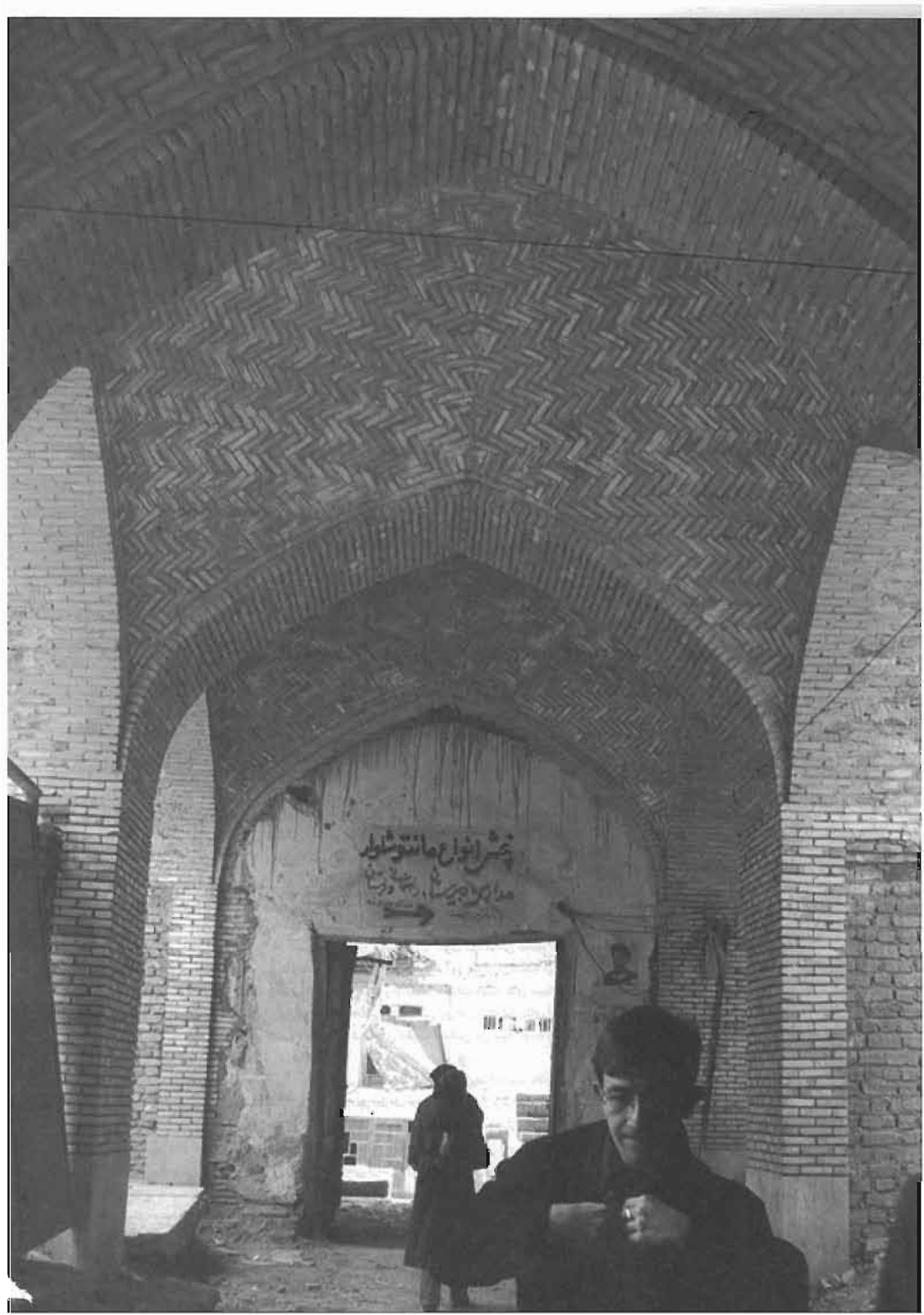
تعزیه خوانی، پرده خوانی و نمایشهای میدانی نظیر معرکه گیری در این روز بازار گرم و مشتریان بسیار دارد. طی سالهای اخیر در برخی از روستاهای دیگر از جمله "زلف آباد" نیز برگزاری جشن اول تابستان



در کنار امامزاده محل معمول شده است. مراسم مربوط به روز اول تابستان ریشه در تقویم قدیم ایرانی دارد که در آن سال با تیر ماه و فصل تابستان آغاز می شد. در گوشه و کنار ایران نشانه های زیارتی از مراسم آغاز سال در اول تابستان برجای مانده است. اما تنها در این منطقه دقیقاً با این نام کماکان تداوم دارد.

زیارت امامزاده آقا علی عباس: در نزدیکی باد رود نطنز، بنای بقعه امامزاده آقا علی عباس قرار دارد که مورد توجه و اعتقاد اهالی شهرها و روستاهای منطقه است و هر سال بخصوص در بیست و هشتم ماه صفر، روز رحلت حضرت پیامبر (ص) و امام حسن (ع)، زائران بسیاری را به سوی خود فرامی خواند. اجتماع زائران امامزاده از سه چهار روز قبل از بیست و هشتم ماه صفر آغاز و تا چند روز بعد از آن ادامه می یابد. مراسم سوگواری فقط در روز بیست و هشتم انجام می شود و از نقاط مختلف دسته های سینه زن و زنجیرزن با علامتها و نشانه های خود در این مراسم شرکت می کنند. طی این ده روز در کنار بنای امامزاده بازاری توسط فروشندگان دوره گرد و کاسبان بازارهای شهرهای اطراف تشکیل می شود که به پشتوانه اعتقاد مردم به امامزاده، فروش چشم گیری دارد.

زیارت امامزاده سید غلام رسول در چاه بهار: هر سال در حدود دهم ماه شعبان امامزاده سید غلام رسول چابهار، میعادگاه انبوه زائران شیعه مذهب شهرها و مناطق اطراف است. بسیاری از زائران از شهرهای هند و پاکستان می آیند و در کنار بنای امامزاده بازاری برپا می شود که فروشندگان آن نیز از مناطق اطراف بخصوص از شهرهای هند و پاکستان می آیند و همه گونه کالا در آن عرضه می شود. تقریباً همه زائران وقتی از این زیارت برمی گردند سوغاتی از آن بازار با خودمی برند که برای شان با خریدهایی که از بازارهای دیگر می کنند، تفاوت کیفی دارد. بدون اینکه تأکیدی بر این نظر بکنیم، گمان بر آن است که این زیارت با جشن تولد موعود شیعیان، حضرت مهدی (عج) ارتباط داشته باشد.



مراسم پیر سبز، اردکان یزد: پیر سبز، زیارتگاهی است در هشتاد کیلومتری مشرق اردکان، در دل کویر، بر بلندی کوهی که آب چشمه ای کوچک در آنجا به آرامی از دل سنگ خارج می شود و در حوضچه‌ای جمع می شود.

برکران چشمه سروی برآمده که امروزه درختی سالخورده است و در کنار آن زیارتگاهی ساخته شده و زرتشتیان درباره این مکان باورها و اعتقادات بسیار دارند. آنان هر سال در پنج روز اول تابستان برای زیارت به این محل می آیند و نذر و نیاز می آورند. طی سالهای دهه ۱۳۴۰ و ده ۱۳۵۰ مراسم زیارت پیر سبز رونق بسیار یافت و هر سال مسافران بسیاری از شهرهای زرتشتی نشین ایران و نیز از هند و کشورهای دیگر به آنجا می آمدند و بسیاری آیینها و آداب و وظایف مذهبی، مانند سدره پوشی (رسمی که در پانزده سالگی برای هر کودکی انجام می دهند و از آن پس رسماً پیرو آیین زرتشت می شود)، را در آنجا برگزار می‌دند. در کنار پیر سبز، اگر چه تعدادی دست فروش گرد می آمدند اما بازاری تشکیل نمی شد. این رسم نیز مثل رسم اول تابستان تفرش، بازماند تقویم کهن تابستانی است.

مراسم قره کلیسا: قره کلیسا از کلیساهای تاریخی ارامنه است و در محل کلیسا کندی در نزدیکی ماکو قرار دارد. مراسم زیارت این کلیسا در روزهای اول تابستان انجام می شود و مناسبت آن را بزرگداشت شهادت طاطاووس می دانند، از بزرگان آیین مسیحی است و در راه تبلیغ و ترویج این آیین به شهادت رسیده است. مراسم قره کلیسا نیز مانند مراسم پیرسبز زرتشتیان اگر چه سابقه اعتقادی داشته، اما برگزاری پردهامن آن مربوط به دهه های اخیر است، و از حدود چهل سال پیش معمول شده است. در کنار این مراسم، روشندگان بسیاری از اطراف جمع می شوند، اما گرمی و رونق بازارشان که نام بازار هم بر خود ندارد، ناشی از نیازهای مردم است و از پشتوانه اعتقادی کلیسا و مراسم برخوردار نیست.

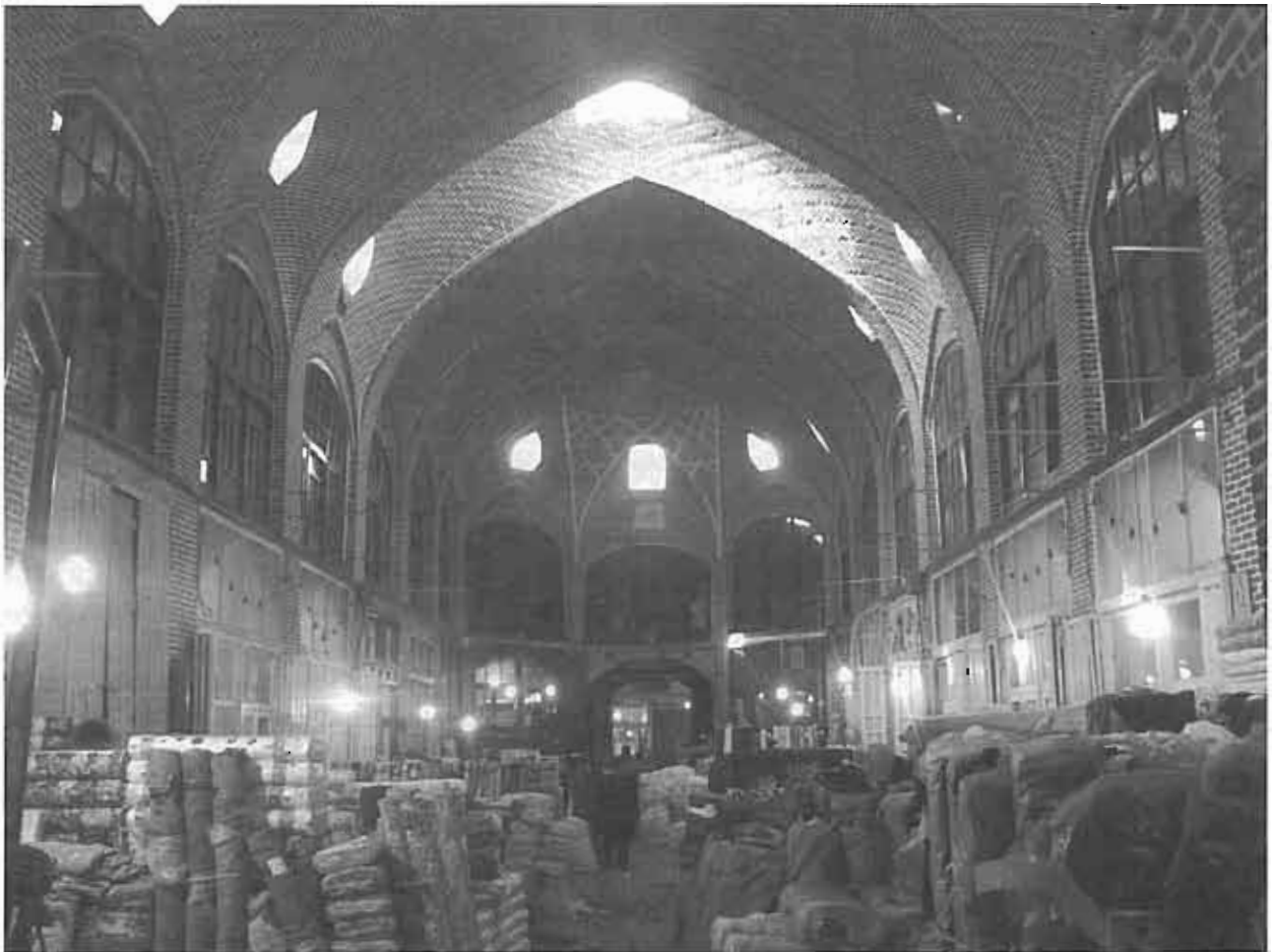
نگهداشتن حساب سال و ماه و به اصطلاح گاه شماری در سرزمین ایران مراحل مختلفی را پیموده است. حساب آغاز سال از اول بهار، اول تابستان یا اول سال زراعی، و نیز تقسیم سال به بخشهای شش گانه هماهنگ با مراحل فعالیتهای کشاورزی و زندگی شبانی، و نیز تقسیم سال به دو فصل بزرگ تابستان و زمستان، و شکلهای دیگر تقسیم سال، در دوره های مختلف تاریخی سابقه داشته است و آثار آن در شئون گوناگون فرهنگی، اعم از تقویم، اعتقادات، مراسم و مانند آنها در گوشه و کنار ایران هنوز باقی است. آنچه به

نگهداشتن حساب سال و ماه و به اصطلاح گاه شماری در سرزمین ایران مراحل مختلفی را پیموده؛ در دوره های مختلف تاریخی سابقه داشته و آثار آن در شئون گوناگون فرهنگی، اعم از تقویم، اعتقادات، مراسم و مانند آنها در گوشه و کنار ایران هنوز باقی است.

موضوع این گفتار، یعنی بازارهای موسمی و مراسم آئینی مرتبط می شود، از موارد بروز این تفاوت‌های تقویمی و یا تداخل تقویم هاست، هر کدام به عنوان یک معیار سنجش می تواند در شناخت دیگری به کار گرفته شود.

از بررسی مجموعه مراسمی که به اختصار توضیح داده شد، چنین برمی آید که این مراسم عمدتاً به آغاز سال و یا مقاطع مشخصی از آن مربوط می شده اند. مراسم مربوط به اول تابستان در تفرش، مراسم پیر سبز اردکان، و احتمالاً مراسم قره کلیسای ماکو، جملگی همه بازمانده هایی از جشنهای آغاز سال در تابستان هستند. بیست و شش نوزده ماه مازندران، که جشن ویژه منطقه مازندران است، در تقویم محلی در آغاز سال قرار دارد. مراسم علم و آیینی گیلان، گل مالی مسجد آدینه جواهرده، و نیز حسن رضا بازار جویبار، هر کدام به نحوی با پایان فعالیت های کشاورزی و دامپروری تقارن پیدا می کند، که در نهایت آنها هم نگهداشتن حساب سال و ماه و به اصطلاح گاه شماری در سرزمین ایران مراحل مختلفی را پیموده است. حساب آغاز سال از اول بهار، اول تابستان یا اول سال زراعی، و نیز تقسیم سال به بخش های شش گانه هماهنگ با مراحل فعالیت های کشاورزی و زندگی شبانی، و نیز تقسیم سال به دو فصل بزرگ تابستان و زمستان و شکل های دیگر تقسیم سال، در دوره های مختلف تاریخی سابقه داشته است و آثار آن در شئون گوناگون فرهنگی، اعم از تقویم، اعتقادات، مراسم و مانند آنها در گوشه و کنار ایران هنوز باقی است. آنچه به موضوع این گفتار، یعنی بازارهای موسمی و مراسم آئینی مرتبط می شود، از موارد بروز این تفاوت‌های تقویمی و یا تداخل تقویم هاست، و هر کدام به عنوان یک معیار سنجش می تواند در شناخت دیگری به کار گرفته شود.

از بررسی مجموعه مراسمی که به اختصار توضیح داده شد، چنین برمی آید که این مراسم عمدتاً به آغاز سال و یا مقاطع مشخصی از آن مربوط می شده اند. مراسم مربوط به اول تابستان در تفرش، مراسم پیر سبز اردکان، احتمالاً مراسم قره کلیسای ماکو، جملگی بازمانده هایی از جشنهای آغاز سال در تابستان هستند. بیست و شش نوزده ماه مازندران، که جشن آن ویژه منطقه مازندران است، در تقویم محلی در

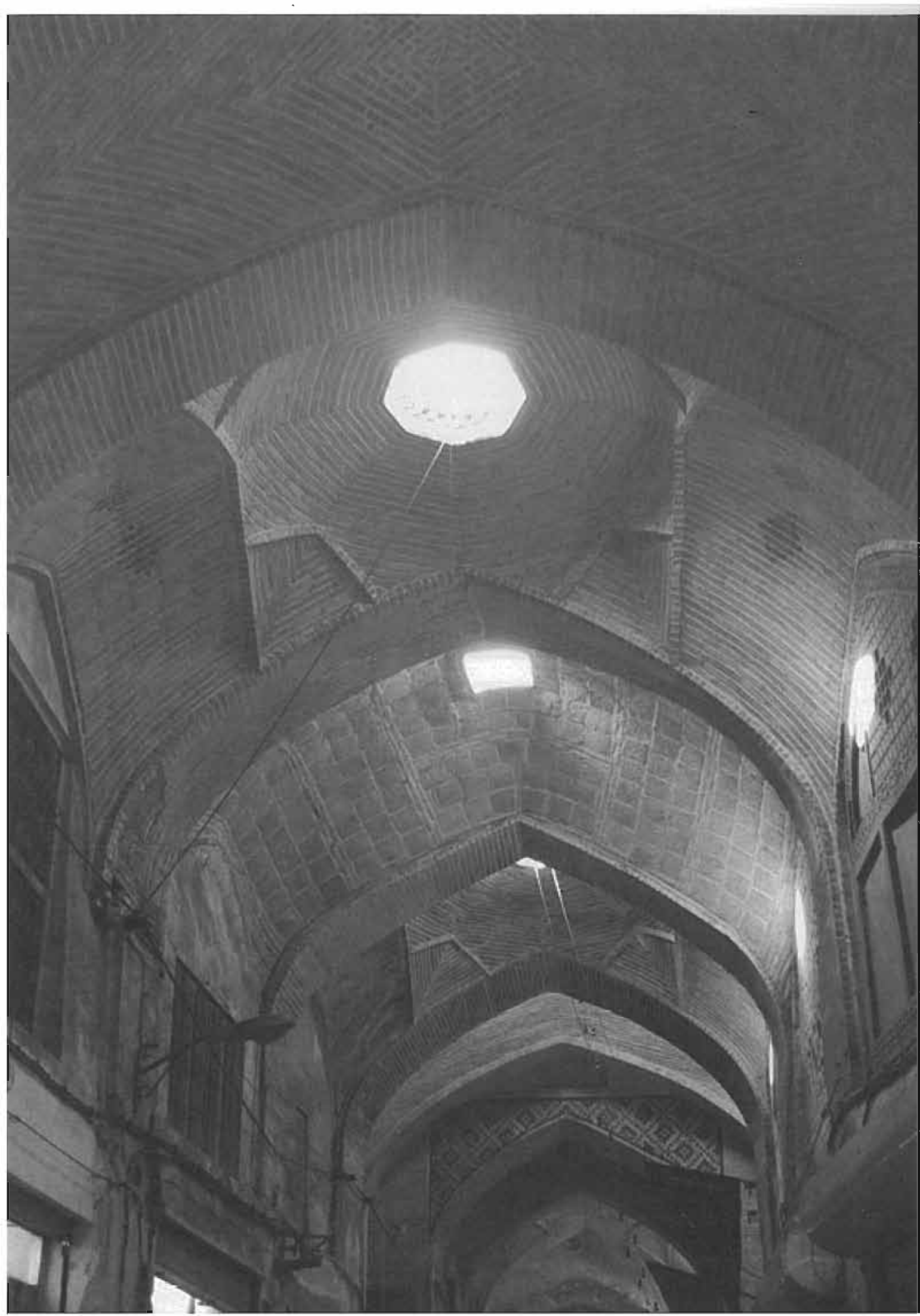


آغاز سال قرار دارد. مراسم علم‌واچینی گیلان، گل مالی مسجد آدینه جواهرده و نیز حسن رضا بازار جویبار، هرکدام به نحوی با پایان فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری تقارن پیدا می‌کنند که در نهایت آنها هم در تقویم های محلی ایران، اغلب تا حد زیادی با شرایط اقلیمی و مراحل تولید، و معیشت هماهنگی دارند. مهرگان نیز که همزمانی آن با مراسم قالی شویان و توضیح داده شد، در دوره‌ای از تاریخ ایران در آغاز نیمه دوم سال، ارج و اعتباری همسنگ نوروز داشته است، در اغلب نقاط ایران با آغاز سال زراعی نیز انطباق دارد. در همه گونه‌های گاه شماری یاد شده نیایش و شکرگزاری در ضمیر مراسمی که در پایان یا آغاز سال برگزار می‌شود، نهفته است و همه آنها با بازار توأم اند؛ چنانکه اینگونه مراسم در سایر مناطق جهان نیز با بازار قرین اند. جنبه‌های عزاداری لایه‌های روین این مراسم و صورت تحول یافته آداب نیایش است؛ مانند واچینی. در قالی شویان به نظر می‌رسد که تداخلی صورت گرفته باشد. مراسم امامزاده آقا علی عباس هم، موردی استثنایی است و بازار آن تحت تاثیر عوامل دیگری قرار دارد، و گونه بزرگترین مراسم مذهبی و سنتی ایران، یعنی مراسم سوگواری حضرت امام حسین(ع) به شمار می‌آید که تقریباً در تمام ایران معمول است، و در هیچ جا با بازارهای موسمی همراه نیست.

توجه به این نکته می‌تواند در شناخت ماهیت مراسم سنتی و آیینی، یکی از معیارهای سنجش باشد. مثلاً مراسم سنتی "چهلیم بهار" که هر سال در "پاریز" سیرجان انجام می‌شود، با برپایی بازار توأم نیست و با آغاز سال هم ارتباطی ندارد.

به طور کلی، در جامعه سنتی ایران، در هنگام عزاداری نه تنها برپا نمی‌شود بلکه بازارهای موجود را هم تعطیل می‌کنند و بازاریان به شرکت در مراسم می‌پردازند. حتی در سوگواری‌های خانوادگی هم فرد عزادار اگر اهل کسب و کار باشد، محل کسب خود را تعطیل می‌کند و پس از مدتی همسایگان و همکارانش، بنا بر رسم و با آداب خاص آن را باز می‌گشایند.

اما بازارهایی که در کنار مراسم یاد شده برپا می‌شوند، دارای وجوه مشترک بسیاری از این قرارند: این بازارها جملگی سالانه اند، و در محل بازار و برگزاری مراسم، تا سال دیگر بازاری تشکیل نمی‌شود. آیینی و مذهبی بودن از خصوصیات بازارهای سالیانه است. بازارهایی که به صورت هفتگی، پانزده روزه، ماهانه و مانند آنها برپا می‌شود، حتی اگر در محل زیارتگاهی هم باشند، جنبه آئینی ندارد. در این پژوهش، بازارهای موقت در





مناطق آذربایجان، گیلان، مازندران، کرمان، یزد و حوزه بندرعباس و هرمزگان مورد بررسی قرار گرفت؛ در هیچ یک از این بازارها با تواتری کمتر از یک سال، چنین خصلتی مشاهده نشد.

در نزد اکثریت زائران، انگیزه اصلی آمدن به این مراسم و بازار، خرید کردن نیست؛ در صورتی که در بازار هفتگی و غیره بیشتر افراد به منظور خرید مواد و لوازم مورد نیاز خود و یا عرضه کالایی که دارند و یا تولید کرده اند، به بازار می آیند. بازار سالانه در واقع عرصه مبادله کالا نیست، در صورتی که مبادله کالا ویژگی اصلی دیگر بازارهای موقت است.

خریدار بازارهای جنب مراسم آیینی از جانب خریداران خوش یمن تلقی می شود؛ هفته بازارهای آخر سال هم بازار نامیده می شوند، نیز از این خصلت برخوردارند. اما مراسمی مانند قره کلیسا، اگر چه آیینی است، اما به لحاظ این که پیشینه تاریخی پیوسته و مستمری توأم با بازار نداشته، دارای چنین خصوصیتی نیست. البته تبرک خرید از این بازارها دو جنبه دارد. یکی اعتقاد خریداران به مراسم و مکان مقدس برگزار می آن، و دیگری نقش فروشندگان در تقویت این اعتقاد و القا آن به همه زائران است.

بازارهای سالیانه در حفظ سنتها و آداب و رسوم محلی و تقویت عناصر فرهنگ سنتی نقش مهمی ایفا می کنند و از این جهت با سایر انواع بازاری خصوصیت مشترکند، زیرا بازار به طور کلی در مورد تغییرات فرهنگی نسبت به بخشهای دیگر جامعه محتاط تر است. چنانکه در بازار هنوز استفاده از حساب سیاق و چرتکه رایج است؛ بازاریان دیرتر از همه تغییرات در پوشاک را می پذیرند. نمونه های خوب غذاهای سنتی همیشه در بازارها برای عموم عرضه می شود؛ روابط اجتماعی سنتی در بازار دیرپاتر است؛ در بازار هنوز هم حرف و کلام، ارج و اعتباری هم سنگ سند و امضا دارد؛ و بسیاری از سنتها هنوز در بازار پا برجا مانده است. از این زاویه، بازار کیفیتی مشابه روستا دارد و بازارهای موسمی نیز عمدتاً چهره و سیمایی دارند.

سرانجام هم بازارهای سالیانه، به تبع مراسم آیینی مربوط به آنها در مکانهایی مقدس و محترم برپا می شوند.

جمع بندی

مراسم آیینی و بازارهای موسمی پیوند با آنها سالانه بوده و در مکانی مقدس برگزار می شوند. آن دسته از مراسم آیینی که با بازار همراه اند، از منشا تقویمی آغاز سال برخوردارند؛ بنابراین، همراه بودن مراسم آیینی با بازار معیاری است برای شناخت ماهیت مراسم.

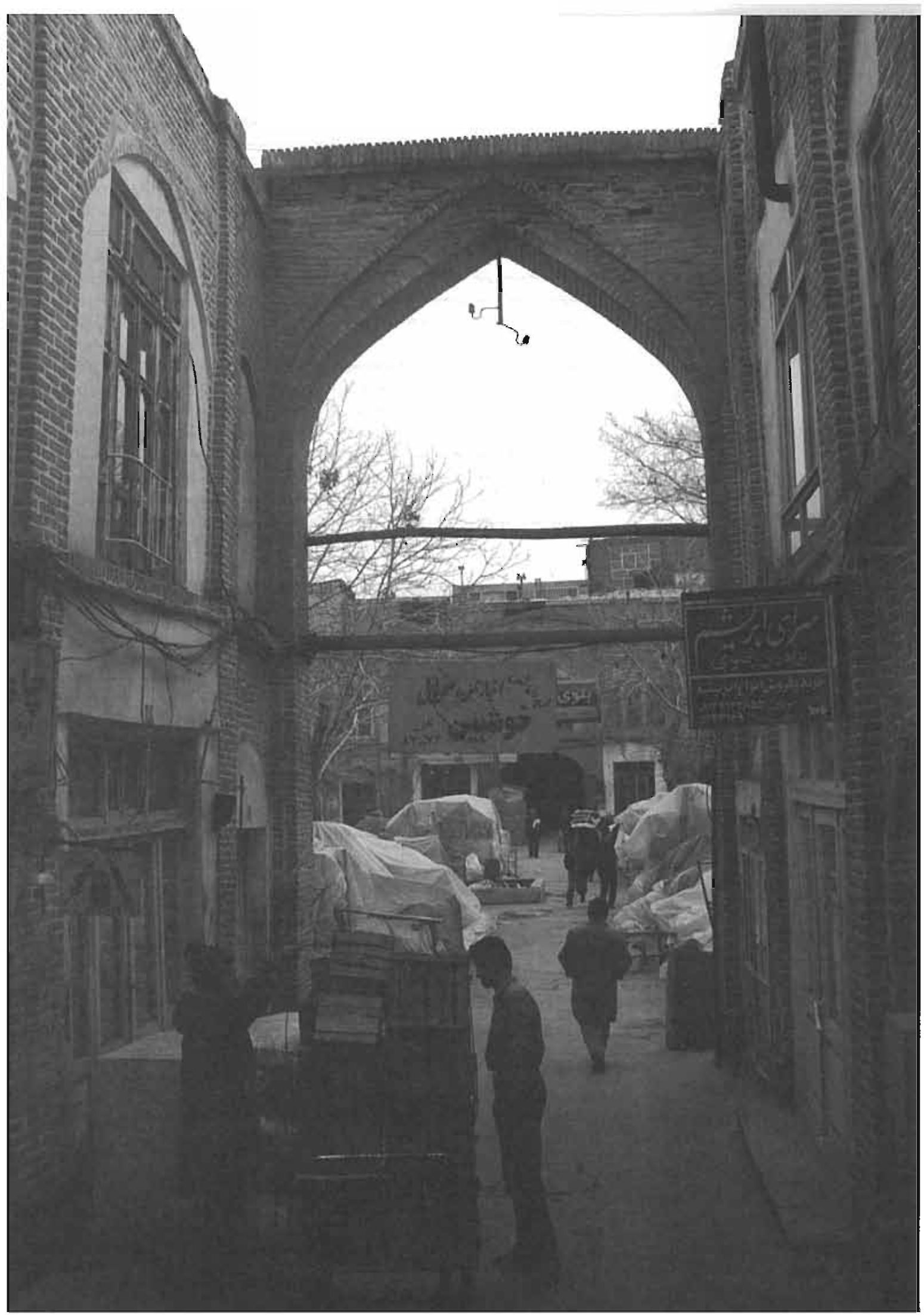
این گونه مراسم صورتی جشن گونه دارند و جنبه های عزاداری آنها، صورت تحول یافت نیایشهای دوران کهن است، زیرا دو عنصر فرهنگی وقتی به یکدیگر قابل تبدیل اند که، همگون باشند. نیایشهای کهن و عزاداریهای امروز هر دو جنبه اعتقادی دارند و برگزاری این عزاداریها نشان پیشینه آیینی مراسم و معیار دیگری است برای شناخت ماهیت مراسم.

بازارهای موسمی مربوط به این مراسم، بر خلاف هفته بازارها، عرصه تبادل کالا نیست و خرید اجناس این بازارها برای خریداران شگون دارد.

بازارهای موسمی، همچون انواع دیگر بازار، از عوامل حفظ عناصر فرهنگ به شمار می آیند. مراسم آیینی نیز دارای چنین نقشی هستند، و چنین است که بازارهای موسمی و مراسم آیینی به عنوان دو عنصر معتبر فرهنگ سنتی یکدیگر را و مجموعه نظام فرهنگ سنتی را به نسبت شعاع عمل خود قوام و دوام می بخشند.

پی نوشت

۱. بسیاری از بازارهای هفتگی شمال ایران تا یکی دو دهه پیش هنوز نهادی برای رسیدگی به مشکلات و دعای مردم محسوب می شد. در این مورد، ر. کد خسروی، خسرو، پژوهشی در جامعه روستایی ایران، ۱۳۵۵، ص ۲۰.
۲. بازار مکاره بازاری است که هر سال یک بار به مدت چند روز در محلی دایر می شود و از اقصی نقاط سرزمین، یا کشورهای متعدد اجناس مختلف را در آن بازار به معرض تماشا و خرید و فروش می گذارند.
۳. آلیس ون بورن، سیرک در جستجوی سرچشمه های خوش، ترجمه فاطمه فراهانی، پیام، شماره اسفند ماه ۷۱، ویژه هنر در کوچه و بازار.
۴. سفدی ها شاخه ای از اقوام ایرانی بودند و سرزمینشان از حدود ماوراء النهر تا مرزهای غربی چین ادامه داشت. زبانشان جزوه زبانهای ایرانی میانه شاخه شرقی محسوب می شود.
۵. بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعه التجهیم، تصحیح جلال همایی، انجمن آثار ملی، ص ۲۶۶ و ۲۷۶.
۶. نقل از حاشی التفهیم، ص ۲۶۶ و ۲۷۶.
۷. نرشخی، ابوبکر، محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات توس، ۱۳۴۳، ص ۲۹.
۸. مراسم علم و آیینی را در آبادی شاه شهیدان عمارلو (گیلان) در سال ۱۳۵۷ مشاهده کرده ام.
۹. اطلاعات مربوط به بیست و شش نوزده ماه را در سال ۱۳۵۷ در روستاهای مازندران گردآورده ام و آنچه ذکر شده مربوط به روستای زرکه امل است.
۱۰. اطلاعات مربوط به این بازار را آقای حبیب الله ملاحی فراهم آورد.
۱۱. باسیاس از ایشان، علاوه بر آن، با یادداشتیهای مربوط به سال ۱۳۵۷ که خود فراهم کرده بودم، مطابقت شد.
۱۱. بلوکباشی، علی، قالی شوپان، هنر مردم، شماره اردیبهشت ۴۳.
۱۲. زیارت سالیانه آرامنه در قره کلیسا، از سال ۱۹۵۴ مرسوم شده است. روزنامه کیهان، شماره ۱۸، تیرماه ۵۴ اولین کنگره بین المللی بازار، تبریز، ۱۳۷۲.



سرای ابرو
سازمان اسباب و وسایل آتش نشانی
تهران

سرای ابرو
سازمان اسباب و وسایل آتش نشانی
تهران